

ادامه از صفحه اول

تهدیدها برای تولید داخلی

دانش و فناوری امری تجربی، جمعی و انباشتی است. دانش امری بین‌المللی و فناوری نتیجه بهره‌مندی از نوآوری است که بخش عمده‌ای از آن نتیجه رقابت است. در کشور ما، شرکت‌های دانش‌بنیان سابقه زیادی ندارند و از گذشته تاکنون دولت با حمایت‌های غیرمنطقی و ناقص باعث شده تکنولوژی تولید پیشرفت چندانی نداشته باشد. تکنولوژی عقب‌مانده، تولید بی‌کیفیت را سبب می‌شود و فرصت‌های شغلی برای نیروی تحصیل‌کرده فراهم نمی‌کند.

بخش عمده‌ای از اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به استفاده از تکنولوژی و فناوری‌های نوین ارتباط دارد. تا زمانی که شرکت‌ها از تکنولوژی‌های پیچیده استفاده نکنند به فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نیاز پیدا نمی‌کنند. تکنولوژی‌های پیچیده نیازمند مهارت‌های متنوع است که فارغ‌التحصیلان دانشگاهی امکان بیشتری دارند که با استفاده از آن مشغول به کار شوند و کیفیت کالاها افزایش پیدا کند. مسئله جذب استفاده از تکنولوژی و فناوری‌های جدید در تولید داخلی با شیوه و ابزارهای فعلی حمایت حل نمی‌شود. درحال‌حاضر، صنایع نمی‌توانند از تکنولوژی‌های روز برای تولید استفاده کنند. به‌عبارتی استفاده از آن برای تغییر خط تولید مشکل اساسی است. خیلی وقت‌ها می‌بینیم که برخی مبتکران و نوآوران تکنولوژی و فناوری جدیدی اختراع می‌کنند یا روش‌های نوآورانه‌ای برای بهره‌وری صنایع ایجاد می‌کنند اما صنایع بزرگ از این اختراع و نوآوری‌ها برای تولید استفاده نمی‌کنند. این اختراعات فقط رسانه‌ای می‌شود و در وترین باقی می‌ماند. درحال‌حاضر، از نوآوری و فناوری‌های نوین در روند تولید کالاها و خدمت بهره گرفته نمی‌شود که بیش از همه به این موضوع برمی‌گردد که تولیدکننده انگیزه لازم و دانش پایه و تجربه بین‌المللی نحوه استفاده از آن را ندارد. براساس آنچه بیان شد بدون استفاده از تکنولوژی روز و دانش پایه، تولیدات کیفیت لازم را نخواهد داشت و به توقف تولید منجر می‌شود. شکاف تکنولوژیکی میان تولیدکنندگان داخلی و خارجی زیاد است. حمایت دولت باید در راستای جبران این عقب‌ماندگی باشد که فقط با واردات آن حل نمی‌شود بلکه باید زمینه مناسبی برای فهم و درک، جذب و نحوه استفاده از آن در تولید فراهم شود. جریان مستمر تکنولوژی میان کشور ما با سایر کشورها نیروی مهمی برای این منظور است. انتقال تکنولوژی امری فیزیکی نیست. تکنولوژی به‌مثابه شیء، فیزیکی تلقی نمی‌شود بلکه فهم و استفاده خلاقانه از آن برای بهبود مهم است.

به‌طورکلی، برای تحقق تاب‌آوری صنایع و فراهم‌شدن اشتغال پایدار لازم است کیفیت تولیدات افزایش و هزینه‌ها کاهش یابد که بخشی از این امر مستلزم استفاده خلاقانه از تکنولوژی و فناوری‌های نوین در روند تولید و افزایش بهره‌وری است.

دولت می‌تواند کمک کند تولیدکنندگان از تجربیات بین‌المللی و ظرفیت‌های دانش جهانی استفاده کنند. علاوه‌بر تکنولوژی، افزایش مهارت‌های مدیریتی و نحوه استفاده از دانش جهانی و سرمایه خارجی هم نقش مهمی در حمایت از تولید دارد. براین‌اساس، تولیدکننده داخلی نیازمند بهره‌بردن از دانش و تکنولوژی روز، سرمایه خارجی، افزایش مهارت‌های مدیریتی و بهره‌مندی از تجربیات مدیریت تولید در سایر کشورهاست. رویکرد حمایت‌گرایی دولت از تولیدکنندگان در این قالب معنا می‌یابد. بنگاه‌های داخلی با سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و نوآوری می‌توانند هم بقای خود را در بازار تضمین کنند و هم کیفیت تولیدات خود را افزایش دهند. درحالی‌که بنگاه‌های داخلی با چالش سطح فناوری پولسی و تعریف‌های انگیزه برای تلاش در زمینه نوآوری را کم کرده است.

چالش فساد رانت و انحصار

سیاست‌های حمایتی دولت در قالب یارانه و اعطای تسهیلات ارزان‌قیمت و نرخ ارز ترجیحی انواع و اقسام دخالت‌های دولتی در تولید را توجیه می‌کند. در خوش‌بینانه‌ترین حالت، اعطای یارانه به صنایع منتخب به ظاهر با هدف حمایت از تولید شکل می‌گیرد اما هدف اصلی افزایش قدرت و محبوبیت سیاست‌مداران است. درآمدهای نفتی اتخاذ سیاست‌های حمایتی مختلف را توجیه کرده است و برخی گروه‌های جامعه و بنگاه‌ها برای بهره‌گرفتن از این یارانه‌ها رقابت‌های ناسالم و اقدامات غیرمنطقی انجام داده‌اند. مثلاً برخی صنایع بزرگ، افراد پرنفوذ دولت را به‌عنوان اعضای هیئت‌مدیره خودشان انتخاب کرده‌اند تا بتوانند از رانت‌های مختلف بهره ببرند. صنایعی که از انواع و اقسام حمایت‌ها مثل تسهیلات کلان ارزان‌قیمت استفاده کرده‌اند نه تنها توان حضور در بازار جهانی و رقابت با کالاهای مشابه خارجی را ندارند بلکه هر روز تقاضای حمایت بیشتری دارند. قطع حمایت یارانه‌ای از این صنایع انحصارطلب پیامدهای سیاسی دارد و باعث می‌شود دولت‌ها با چنین صنایعی مامشات کنند. بسیاری از تولیدات داخلی منطق اقتصادی ندارد و هرگونه حمایتی از آنها اتلاف منابع بین‌نسلی است. حمایت‌های یارانه‌ای، رانت‌ها و انحصارهای بزرگی را دامن رده است که ایجاد گسترده و پیچیده‌ای دارد. شکل‌گیری بنگاه‌های بزرگ شبه‌دولتی و بروز انواع فسادهای اقتصادی نتیجه زیان‌بار حمایت‌های ناکارآمد و غیرمنطقی است.

ادامه در صفحه ۵

۴ قدری از سابقه مبارزاتی آیت‌الله طالقانی

پیش از انقلاب برایمان بگویید.

مرحوم طالقانی از جمله شخصیت‌هایی بودند که از ابتدای جوانی‌شان برای افرادی که او را می‌شناختند الگو بودند. آزادی‌خواهی، وطن‌دوستی و درک روشن از بنیان‌های اسلامی او را به‌عنوان یک شخصیت ممتاز مطرح می‌کرد که در مقاطع مختلف در این کشور و در تلاطم‌های بسیار می‌توانست تصمیم‌های دقیقی اتخاذ کند. ما در کشورمان شخصیت‌های برجسته و بزرگی داریم که هرکدام توانسته‌اند منشا اثر باشند که یکی از آنها مرحوم مدرس است. شهید مدرس به‌عنوان یک روحانی روشن‌بین در آگاهی‌بخشی و دفاع از کبان اسلام سرآمد بود که بر شخصیت‌های برجسته‌ای همچون امام خمینی و آیت‌الله طالقانی تأثیر عمیقی گذاشت. وقتی به الگوی مرحوم طالقانی هم نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که عنصر روشنگری در چنین الگویی موج می‌زند؛ پس دور از ذهن نیست که آیت‌الله طالقانی هم در بزنگاه‌های مختلف سمت مردم و اسلام بایستد. آیت‌الله طالقانی در جریان ملی‌شدن صنعت نفت و مبارزه با استعمار انگلیس و دفاع از حقانیت ایران در کنار شخصیت‌های بزرگی همچون مرحوم مصدق ایستاد. در آن زمان با توجه به رخدادهایی که پیش آمد، جریان یا خاستگاه ملی و ضداستبدادی ایجاد شد و راهبران آن جریان سعی کردند که آیت‌الله طالقانی را به‌عنوان یک سرمایه معنوی جذب نهضت ملی‌شدن صنعت نفت کنند و البته آیت‌الله طالقانی هم با توجه به درکی که از وقایع روز داشت، در کنار آن جریان قرار گرفت. بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ و لزوم تداوم مبارزات ضداستبدادی عناصر بی‌پناه به شخصیت‌های بزرگ و مورد اعتماد جامعه پناه می‌بردند؛ یکی از آن شخصیت‌ها برجسته آیت‌الله طالقانی بود که جریان‌های مختلف با گرایش‌های فکری گوناگون اعم از ملی‌گراها، ملی‌مذهبی‌ها و سوسیالیست‌ها می‌کوشیدند در پناه مرحوم طالقانی قرار بگیرند؛ نمونه بارز آن مرحوم جلال آل‌احمد بود که گرایش تندش در دورانی به حزب توده حتی باعث شد از سوی خانواده مذهبی‌اش طرد شود اما آیت‌الله طالقانی جلال را پناه داد و او را طرد نکرد و از نظر فکری او را در آغوش قرار داد تا احساس بی‌پناهی آن آیت‌الله طالقانی می‌کوشید به ابهامات جلال پاسخ دهد و همین نوع برخورد مرحوم طالقانی بود که باعث رقم‌خوردن سرنوشت متفاوت جلال و بازشت او و امثال او به سمت اسلام شد. شیوه آیت‌الله طالقانی به‌هیچ‌وجه دفاعی نبود و همیشه سعی می‌کرد با امیددودن و رواداری نیروهای مختلف را جذب کند و بی‌تردید تحول درونی جلال نتیجه همین روحیه مرحوم طالقانی بود. روشن‌بینی و مدارای آیت‌الله طالقانی طیف وسیعی از روشنفکران دوره نهضت ملی‌شدن صنعت نفت را جذب اسلام کرد. از سوی دیگر، او دارای شجاعت بسیار بود و عناصری را که تحت تعقیب و حتی محکوم به اعدام بودند، پناه می‌داد؛ برای مثال آیت‌الله طالقانی نواب‌صوفی را که بعد از کودتای ۲۸مرداد تحت تعقیب شدید نیروهای حکومت قرار داشت، در منزل خود پناه داد. بعد از انقلاب هم کسانی که در گذشته مرتکب خطایی شده بودند به مرحوم طالقانی پناه می‌بردند و حتی معروف است که استوار ساقی، زندانبان آیت‌الله طالقانی در زندان قزل‌قلعه، بعد از انقلاب نزد آیت‌الله طالقانی رفت و پناهنده خانه او شد. مرحوم طالقانی در برخورد با نزدیکانش هم همین‌طور بود؛ به یاد دارم اولین باری که یکی از عناصر سابق مجاهدین که تغییر گرایش داده بود و سارکسیست شده بود همراه با مجتبی طالقانی برای من جزوه‌ای آوردند تا ما هم از روش فکری آنها مطلع بشویم. آیت‌الله طالقانی مجتبی را طرد نکرد و به او فرصت داد، به شبهات ذهنی‌اش پاسخ داد و او را متحول کرد. منش آقای طالقانی چنین بود و در ابتدای تشکیل سازمان مجاهدین هم به آن جوانانی که با اندیشه اسلامی گروهی برای مبارزه با استبداد تشکیل داده بودند، امید داشت اما سفاکانه نیروهای مجاهدین قدر چنین اعتمادی را ندانستند و به انحراف رفتند.

در آیت‌الله طالقانی در جبهه ملی دوم و بعدتر تا تشکیل نهضت آزادی هم نقش مؤثری داشت.
آیت‌الله طالقانی هیچ‌گاه عضو تشکیلاتی جبهه ملی نبود، بلکه پناه آنها بود. وقتی مشاهده می‌کرد نیروهایی با تفکر ملی علیه استعمار و استبداد فعالیت می‌کنند، از آنها حمایت می‌کرد اما ماجرای نهضت آزادی برای او تفاوت داشت. او هنگامی که مشاهده کرد طیف مذهبی ملی‌ها به شرط دین به صحنه آمده‌اند و می‌خواهند به شرط دین فعالیت ملی داشته باشند، درخواست آنها را پذیرفت و در تأسیس نهضت آزادی نقش داشت و عضو این مجموعه شد.

۴ نقش آیت‌الله طالقانی در انقلاب اسلامی

و نگاه امام نسبت به ایشان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
نقش آیت‌الله طالقانی در جریان انقلاب اسلامی انکارنشدنی است. امام از شخصیت‌هایی مانند آیت‌الله طالقانی، شهید بهشتی، شهید مطهری و شخصیت‌های دیگری که شورای انقلاب را تشکیل دادند، به‌عنوان پشتوانه‌های انقلاب یاد می‌کردند. امام برای امید شیرد و جبهه دینی، تبلیغی و ترویجی

سیاست

آیت‌الله طالقانی به روایت سیدمحمود دعایی

آیت‌الله به تدروی‌هایی که رخ می‌داد اعتراض می‌کرد



مهرشاد ایمانی: ۱۹ شهریور مصادف است با سالروز درگذشت آیت‌الله سیدمحمود طالقانی؛ مردی که در تمام دوران حیاتش کوشید از چند محور ملی‌گرایی، آزادی‌خواهی، رعایت حق مردم در حاکمیت، گسترش عدالت در جامعه و تحقق اسلام راستین خارج نشود. آویی که برخلاف موج رایج روزهای نخست انقلاب، مردم و مسئولان را بر رافت اسلامی در حق متهمان سیاسی دعوت می‌کرد و تلاش آن بود که با رواداری، فضایی به وجود آورد که نیروهای سیاسی به‌جای خشم علیه یکدیگر بتوانند با تکیه بر گفت‌وگو، استدلال‌های هم را بشنوند. آیت‌الله طالقانی به‌عنوان یکی از مؤسسان و اعضای اصلی نهضت آزادی ایران و فردی که تجربه سال‌ها مبارزه از ملی‌شدن صنعت نفت

انقلاب، مسئولیت مهم اقامه نماز جمعه را به آیت‌الله طالقانی سپردند؛ زیرا حقیقتاً آن مرحوم صلاحیت چنین رسالت بزرگی را داشت. امام تا جایی آیت‌الله طالقانی را قبول داشتند که وقتی فوت کرد، او را ابوذر زمان خطاب کردند که تعبیر بسیار بجا و زیبایی بود؛ زیرا مرحوم طالقانی هم زبان اسلام بود و هم دوران طولانی برای مبارزه با استبداد تحت شکنجه‌های سخت روحی و جسمی قرار داشت. در وصف نوع نگاه امام نسبت به مبانی علمی آیت‌الله طالقانی خاطره‌ای دارم که گفتش خالی از لطف نیست؛ وقتی امام در نجف بودند مرحوم طالقانی در نامه‌ای از عناصر اولیه مجاهدین با عنوان «اصحاب کهف» یاد کرده بود؛ زیرا به‌رحال نیروهای اولیه این سازمان در دوران ستمی که بر کشور حاکم بود، می‌خواستند علیه رژیم وقت فعالیت کنند و به همین دلیل به صورت زیرزمینی علیه استبداد اقداماتی انجام می‌دادند و گویی مانند اصحاب کهف به غارخانه‌های تیمی پناه برده بودند. آیت‌الله طالقانی در آن شرایط لازم می‌دید که از آنها حمایت بشود؛ این‌زیرا وین تعبیر را به کار برده بود. امام هم به دلیل این تأیید، درخواست اعضای مجاهدین برای دیدار را پذیرفتند اما در خلال صحبت‌هایشان در دریافتند که آنها گرایشات فکری متفاوتی دارند و دچار انحراف شده‌اند؛ مثلاً به آنها گفته بودند که شما نسبت به معاد اعتقاد راسخی ندارید و معاد را سیر تکاملی این دنیا تعبیر می‌کنید. آنها در پاسخ گفته بودند که ما عمداً از کتاب‌های «راه طی‌شده»

۴ در ابتدای انقلاب تدروی‌های زیادی از سوی گروه‌های مختلف و حتی انقلابیون انجام می‌شد. نظر آیت‌الله طالقانی درباره آن رخدادها چه بود؟

آقای طالقانی باور داشت که بعد از پیروزی انقلاب باید مشی رسول‌الله(ص) در فتح مکه که عفو عمومی دادند، اجرا می‌شد؛ یعنی باید عفو عمومی داده می‌شد و با مجرمانی که مرتکب قتل یا شکنجه نشده بودند، را رافت برخورد می‌شد. برخی از تدروی‌ها از سوی کسانی رخ داد که شور انقلابی داشتند و معتقد بودند باید فضای حاکم بر جامعه را خشن باشد و معترض بودند که چرا در دادگاه‌های انقلاب، انقلابی‌تر از این برخورد نمی‌شود. چنین نیروهایی به آیت‌الله طالقانی مراجعه کرده بودند که ایشان عصبانی شده بود و گفته بود چرا توقع دارید انقلاب شمشیر را از بیند و به شیوه شما عمل کند؟ آیت‌الله طالقانی اعتراض کرده بود که چرا اینها اعدام شده‌اند؟ برای مثال گفته بود چرا فرخ‌رو پارسا اعدام شده است؟ آنها پاسخ داده بودند: اینها به حکم حاکم شرع عادل اعدام شده‌اند. آیت‌الله طالقانی گفته بود: کدام حاکم شرع؟ که پاسخ داده بودند: آقای خلخالی و مرحوم طالقانی با تبسم خندانداری گفته بود: خلخالی اگر عادل است اما

متعادل نیست. مبای آیت‌الله طالقانی آن بود که با رافت اسلامی با متهمان برخورد شود و طبیعتاً به تدروی‌هایی که رخ می‌داد، اعتراض می‌کرد.

۴ قدری به اندیشه سیاسی آیت‌الله طالقانی بپردازیم. او همیشه بر حق مردم در حاکمیت تأکید می‌کرد و به نوعی حکومت را جدای از مردم فرض نمی‌کرد. مردم‌سالاری دینی در آرای ایشان چه جایگاهی داشت؟

مرحوم آیت‌الله طالقانی از عمق وجود به حق مردم در حکومت باور داشت؛ زیرا شناخت روشنی از قرآن و سیره پیامبر و ائمه داشت و بحق تا آخرین لحظه عمرش از مطالبه حق مردم غافل نشد و در این عرصه کوتاهی نکرد.

۴ دغدغه عدالت‌خواهی هم یکی دیگر از ویژگی‌های آن مرحوم است. آیت‌الله طالقانی نسبت عدالت و انقلاب را چگونه می‌دید؟
عدالت‌خواهی او جدا از مبانی اسلام نبود. همین نگاه در امام هم وجود داشت که نباید به حقوق مردم تجاوز شود و باید بر اساس قرآن و ققه با مردم به عدالت رفتار کرد. مرحوم طالقانی بنا داشت که خیره‌هایی برای رفع نیاز نیازمندان تأسیس شود تا رسیدگی به وضعیت معاش فقرا سازمان‌یافته شود و در ابعاد کلان شاهد رفع تبعیض‌ها باشیم که عمرشان کفاف نداد و بعد هم شرایطی مانند ایجاد

یک جنگ ناخواسته و تنش‌ها و مناقشات گروه‌هایی مانند منافقین مانع تحقق این مهم شد.

۴ آیت‌الله طالقانی در شرایطی که انتقادهای تندی از سوی روحانیون به دکتر شریعتی می‌شد، یکی از مدافعان او بود.

بله همین‌طور است؛ آیت‌الله طالقانی بیش از همه، شریعتی‌ها یعنی پدر و پسر را درک کرده بود. حالا که بحث شریعتی پیش آمد، جالب است برایشان بگویم وقتی بحث‌هایی میان دکتر شریعتی و شهید مطهری درگرفته بود، آیت‌الله خامنه‌ای نقش مؤثری برای ایجاد الفت میان این دو شخصیت برجسته ایفا کردند. جالب‌تر اینکه بعد از رحلت امام وقتی آقای حمید روحانی در تحقیقاتی که درباره مبانی نهضت آزادی انجام می‌داد و ذیل آن ادعایی را نسبت به دکتر شریعتی مطرح کرده بود، آیت‌الله خامنه‌ای برخوردی جدی با او کردند.

۴ آیت‌الله طالقانی در میان نیروهای سیاسی نوعی مرجعیت فکری و سیاسی هم داشت.

طبیعی بود؛ زیرا سابقه روشن خدمات او بر کسی پوشیده نبود و از سویی درک روشنی از اسلام داشت. عمرش گفت: «باید دردها، اندیشه‌ها، بدبختی‌ها و ناراحتی‌های این مردم را جبران کنیم. امیدواریم که همه ما هوشار بشویم و مسئولیت قبول کنیم و مسائل عظیم اسلامی را پیاده بکنیم؛ خودرانی و خودخواهی را کنار بگذاریم. گروه‌خواهی، فرصت‌طلبی و تحمیل عقیده را کنار بگذاریم و بیاییم با مردم، با دردمندا، با رنج‌کشیده‌ها و محروم‌ها هم‌صدا بشویم». برای آن مرحوم اعظم طالقانی و جناب محمد مهدی جعفری هم به سخنرانی پرداختند و با استقبال خوبی روبه‌رو شد اما علت اینکه چرا صدواسیمیا گذشته جلسه بزرگداشتی برگزار کردیم که در آن مرحوم اعظم طالقانی و جناب محمد مهدی جعفری هم به سخنرانی پرداختند و با استقبال خوبی روبه‌رو شد اما علت اینکه چرا صدواسیمیا چندان توجیه ویژه‌ای به تبیین آرای آیت‌الله طالقانی ندارد، واقعا معلوم نیست و صدواسیمیا آن‌قدر آشفته عمل می‌کند که نمی‌شود دلیل خاصی پیدا کرد.

۴ مهم‌ترین ویژگی آیت‌الله طالقانی را که احای آن در شرایط کنونی نیاز جامعه است، چه می‌دانید؟

حتماً رواداری آن مرحوم با طیف‌های مختلف. آیت‌الله طالقانی هیچ جریان‌ی را به‌طورکامل طرد نمی‌کرد و همیشه مترصد آن بود که به ابهامات گروه‌های مختلف پاسخ دهد. اکنون هم همین ویژگی آیت‌الله طالقانی بسیار نیاز جامعه امروز است، به‌نحوی‌که دیگر شاهد خطخطه، توهین و اتهام‌زنی نسبت به یکدیگر نباشیم و نیروهای سیاسی بتوانند یکدیگر را تحمل کنند و در فضایی به دور از تنش استدلال‌های هم را بشنوند.

۴ اگر خاطره‌نقیده‌نشده‌ای هم از آیت‌الله طالقانی دارید، بفرمایید.

قبل از انقلاب زمانی که هنوز معمم نشده بودم و طلبه‌ای کلاهی بودم، سعی می‌کردم در جلسات محاکمه پیشگامان نهضت آزادی شرکت کنم و دفاعیات آنها را بشنوم. نوع مواجهه آیت‌الله طالقانی بسیار آموزنده بود؛ ایشان دادگاه را اصلاً قبول نداشت و اعتنایی به روند دادگاه نداشت و سوره کوتاهی از قرآن را که عاقبت ستمگران در آن آمده بود، به آرامی زمزمه می‌کرد. در نهایت او محکوم شد و به زندان رفت. من پنجشنبه‌ها از قم به تهران می‌آمدم و به دیدار ایشان در زندان قصر می‌رفتم. آن زمان در تهیه نشریه بعضی، ارکان سیاسی-اجتماعی طلاب مبارز هم فعالیت می‌کردم. هر دفعه که به ملاقات آیت‌الله طالقانی می‌رفتم شماره تازه‌منتشرشده نشریه را در لباس مخفی می‌کردم و هنگام ملاقات دور از چشم نگهبان‌ها به ایشان می‌رساندم. مرحوم طالقانی برای این شجاعت من را تحسین می‌کرد اما نصیحت هم می‌کرد که این ریسک را نکن؛ زیرا به طرق مختلف اخبار سیاسی به گوش ما می‌رسد و نیازی نیست که برای رساندن نشریه خود را به خطر اندازی و همین که هر هفته به ملاقات می‌آیی و نشان می‌دهی که راه مبارزه ادامه دارد، کافی است. مدتی بعد مرحوم بازرگان و مرحوم سحجانی از زندان آزاد شدند. در آن زمان آیت‌الله شریعتمداری دارالتبلیغ را تأسیس کرده بود. بعد از آزاد آقایان سحجانی و بازرگان از آقای بازرگان دعوت شد تا در دارالتبلیغ سخنرانی کنند. دوستداران امام از این موضوع ناراحت شدند که چرا فرد خوشنامی مانند مهندس بازرگان در دارالتبلیغ سخنرانی کرده است. یک روز که طبق روال همیشه به ملاقات مرحوم طالقانی رفتم با صراحت به ایشان گفتم که دوستان شما وقتی آزاد می‌شوند، می‌روند در تشکلاتی سخنرانی می‌کنند که در برابر امام قرار گرفته است. آیت‌الله طالقانی به من گفت که من تذکر می‌دهم اما در این باب با آقای منتظری هم سخن بگویید؛ زیرا او بر آقای بازرگان تأثیر دارد. بعد از این ماجراها من به نجف رفتم و در خدمت امام بودم و مسئولیت موج رادیویی صدای روحانیت مبارز را بر عهده گرفتم. یک روز یکی از اعضای اولیه سازمان مجاهدین از سوی آیت‌الله طالقانی نامه‌ای برای امام آورده بود که باید ابتدئاً با من به تحویل نامه واقعا از سوی آیت‌الله طالقانی است. ایشان با من بی‌پایان و مداوم مناقشه می‌آسرایند و فلسفه مورد تأیید قرار داده و در این چارچوب بر نیاز به تأسیس یک دولت فلسطینی حاکم و مستقل به مرکزیت قدس، تأکید و حمایت خود را از فلسطین در مقابل تلاش‌های کشورهای ثالث به‌منظور تضعیف مسئله فلسطین ابراز کردند.

خبر

برگزاری نشست مجازی همکاری‌های راهبردی ایران و ترکیه

روحانی: روابط ایران و ترکیه برای غلبه بر توطئه‌ها تقویت می‌شود

● **ایرنا:** ششمین اجلاس شورای عالی همکاری راهبردی ایران و ترکیه روز گذشته با حضور حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران و رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، به‌صورت مجازی برگزار شد. حسن روحانی در این نشست گفت: «روابط دو کشور دوست ایران و ترکیه در طول تاریخ بر پایه‌های بسیار مستحکمی بنیان‌گذاری شده و وقوع حوادث تلخ و ناگوار هم هرگز نتوانسته گردنی به روابط دو کشور برادر و دوست وارد کند و روابط دو کشور برمنای حسن هم‌جواری و ارزش‌های مشترک فرهنگی و احترام متقابل و همچنین توجه به منافع مشترک دو کشور و ثبات، امنیت و صلح در منطقه بوده است. مرزهای دو کشور خوشبختانه همواره

مرزهای صلح و دوستی بوده و دو دولت به‌ویژه در هفت سال گذشته تلاش دو دولت برمنای توسعه روابط دوجانبه و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است». او با بیان اینکه هر دو کشور در یک منطقه بسیار حساس خاورمیانه قرار گرفته‌ایم، افزود: «دو کشور دو قدرت بزرگ در منطقه هستند و همواره دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌های نسبت به دو کشور وجود داشته و امروز هم وجود دارد. راهی جز تقویت روابط دوستانه دو کشور برای غلبه بر این توطئه‌ها وجود ندارد. من بسیار امیدوارم که نشست مشترک ما و توافقاتی که خواهیم کرد، برای روابط دوجانبه مثمر‌تر و سازنده باشد». همچنین به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری، رئیس‌جمهور ترکیه در این نشست گفت: «اراده ترکیه بر توسعه روابط همه‌جانبه با ایران بوده و آنکارا اصرار دارد که حجم روابط اقتصادی دو کشور افزایش پیدا کند». رجب طیب اردوغان با

محکوم‌کردن تحریم‌های یک‌جانبه و غیرقانونی آمریکا و اظهار تأسف از اینکه این تحریم‌ها به روابط تجاری و اقتصادی دو کشور لطمه و ضربه زده است، افزود: «امیدواریم با تشکیل مداوم و مرتب کمیسیون مشترک همکاری دو کشور و تماس‌ها و رفت‌وآمد میان مقامات دو کشور این موضوع سرعت و وسعت پیدا کند». او با بیان اینکه باید نسبت به اجرای تصمیمات کمیسیون مشترک با جدیت بیشتری عمل کنیم، گفت: « ظرفیت‌های تجاری و اقتصادی دو کشور ایجاد می‌کند حجم روابط از این سطح بسیار بهتر شود و در همین راستا ترکیه همواره آمادگی سرمایه‌گذاری در ایران در حوزه‌های مختلف از جمله انرژی، حمل‌ونقل و گردشگری است و همکاری‌های نزدیک گمرکی نیز از جمله اهداف روابط ایران و ترکیه است». رئیس‌جمهور ترکیه با اشاره به توافق برخی کشورها منطقه با رژیم اشغالگر قدس، عنوان کرد: «این توافقات یک مصالح ملت‌های مسلمان است و همه باید به آرمان فلسطین وفادار بمانیم». اردوغان همچنین با تأکید بر همکاری‌های سه‌جانبه تهران- مسکو- آنکارا در قالب روند آشتی و همکاری برای مقابله با تروریسم در منطقه و ایجاد صلح و ثبات در سوریه، گفت: «ترکیه آمادگی دارد با تسریع در توافقات، همکاری‌های خود با ایران را در مبارزه با تروریسم و همکاری‌های منطقه‌ای به‌ویژه درخصوص کشور سوریه گسترش دهد».

بیانیه مشترک ایران و ترکیه

در پایان این نشست دو کشور بیانیه مشترکی در ۱۹ بند منتشر کردند که در آن، تداوم و گسترش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی تهران و آنکارا در راستای تأمین منافع مشترک مورد تأکید قرار گرفته است. در این بیانیه دو طرف راینی و همکاری نزدیک در مقابله با ویروس کرونا (کووید۱۹)، با هدف حصول اطمینان درباره آمادگی در تأمین نیاز شهروندان خود به خدمات، دارو و لوازم پزشکی لازم برای پیشگیری از همه‌گیری کرونا را مورد تأکید قرار دادند.

در ادامه این بیانیه آمده است: «با عنایت به اینکه پ.ک.ک، پژاک و تمامی سازمان‌های تروریستی و باندهای تبهکاری در منطقه به منزله تهدیدات مشترک علیه امنیت ایران و ترکیه به شمار می‌روند، دو طرف بر ضرورت استفاده کامل هر دو کشور از سازوکارهای همکاری موجود، علیه فعالیت‌های عناصر پ.ک.ک یا پژاک و سایر سازمان‌های تروریستی و باندهای تبهکار در امتداد مرزهای مشترک و همچنین انجام اقدامات هماهنگی برای یک همکاری نتیجه‌محور، شامل عملیات مشترک در مقابله با تروریسم و جرائم سازمان‌یافته، تأکید کردند». همچنین در این بیانیه ضمن مهم دانستن گفت‌وگو درباره مسائل منطقه‌ای و جهانی، موافقت کردند که اصول به رسمیت شناخته‌شده جهان‌شمول، به‌ویژه احترام کامل به حقوق بین‌الملل و حل‌وفصل صلح‌آمیز اختلافات و عدم توسل به زور یا تهدید استفاده از زور، می‌بایست پیوسته حاکم بر روابط بین‌المل باشد. در پایان این بیانیه نیز دو طرف حمایت قاطع خود را از راه‌حل جامع، عادلانه و بادوام مناقشه بین اسرائیل و فلسطین مورد تأیید قرار داده و در این چارچوب بر نیاز به تأسیس یک دولت فلسطینی حاکم و مستقل به مرکزیت قدس، تأکید و حمایت خود را از فلسطین در مقابل تلاش‌های کشورهای ثالث به‌منظور تضعیف مسئله فلسطین ابراز کردند.